



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

فائل لاکه: نوابین سوره و مطروحات - گزارش کجیویا - صورت مفروضه مذاکرات مجلس - اعلامیه مجلس - اخبارهای روسی و قانونی

شماره مسلسل ۶۶ دوره هجدهم مجلس شورای ملی ۲۸۵۳ شماره ۴ آذر ماه ۱۳۳۳ سال دهم

شماره مسلسل ۶۶
دوره هجدهم مجلس شورای ملی

مذکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۶۶
صورت مفروضه مذاکرات مجلس روز پنجشنبه
یستم و هفتم آبان ماه ۱۳۳۳

فهرست مطالب:

- ۱- تصویب صورتجلسه
 - ۲- سؤال آقای تجدید راجع به بطرز مصرف دلار و جواب آقای وزیر دارائی
 - ۳- سؤال آقای ابراهیمی راجع به تفاوت ارز صادرات و ورودیها با اجناس متنوعه و جواب آقایان وزیر اقتصاد ملی و وزیر دارائی
 - ۴- معرفی تیمسار سرلشکر مرتضی زاهدی به معاونت وزارت جنگ و بوسیله آقای وزیر جنگ
 - ۵- تقدیم یک فقره لایحه بوسیله آقای معاون نخست وزیر
 - ۶- تقدیم یک فقره لایحه بوسیله آقای وزیر راه
 - ۷- تقدیم یک فقره سؤال بوسیله آقای سید احمدفغانی
 - ۸- طرح و تصویب فوریت و مذاکره در لایحه اصرار فارغ التحصیلان و تبه اول دانشگاهها ببالخرجه
 - ۹- تعیین موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه
- مجلس دو ساعت و ۵ دقیقه پیش از ظهر - برپاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید

تصویب صورتجلسه

فایده رئیس - صورتفائین جلسه پیش قرائت میفرمود (بشرح زیر قرائت شد)
فائین با اجازه آقایان ۱ دکتر سید امامی - بیات ماگوشینی - مرتضی حکمت - اشکنازی - مکرهم - مصدق و ذوالفقاری - دکتر عامل - مصطفی ذوالفقاری - اردلان - جلیلو - نظارت - گریسی - امامی غوثی - سهندی - سیدالهادی بختیار - مهندس شاهرخشاهی

کیکاسی - نطق الاسلامی - سلطانی
فائین بی اجازه آقایان - خشتی - اسفندیاری - پورسرتیب - نرائی - صادی - و کتر پیرنیسا - هریان
زوررتنگان با اجازه آقایان ابراهیمی ۱۵ دقیقه احمد صفائی ۱۵ دقیقه
رئیس - نسبت به صورت مجلس نظری نیست؟
پرونده - یک هیضه ای است که از طرف کارخانجات اصفهان رسیده و تقدیم

مقام ریاست میکمن
رئیس - امروز جلسه فوری در تشکیل شد
خواستم با اطلاع آقایان محترم برسانم که از روز یکشنبه سراسر مقررنکته زده می شود و من مطابق ماده آئین نامه حاضر می شوم اگر آقایان تا یک ربع ساعت در بیایند و اکثریت حاصل نشود جلسه را ختم میکنم (صحیح است - احسن) و هر يك از آقایان که در آمده باشند جریمه خواهند شد نسبت به صورت مجلس نظری نیست؟ گفته شد خیر (صورت مجلس تصویب شد)
۴- سؤال آقای تجدید راجع به بطرز مصرف دلار و جواب آقای وزیر دارائی

رئیس - بطوریکه خود آقایان موافقت فرموده اند شروع میشود به سؤالات آقای تجدید فرمائید
تجدید - سؤالی که بنده کرده ام تاریخ آن مقدمه خردادماه ۱۳۳۳ است در ۱۷ خردادماه در آن جلسه ایکه جناب آقای وزیر دارائی فرمودند که برای اولین مرتبه در تاریخ حقوق کارمندان دولت در پانزدهم اسفند ماه پرداخت شده بنده اظهار کردم که این تاریخ را که در اثر ازدیاد جواند و با اقدامات اقتصادی بوده حقیقه قابل تقدیر است ولی اگر بوسیله پرداخت (یعنی از نمایندگان - فدرالیته - تو بفرمائید) صدای مرا که میشنوید ، ولی اگر بوسیله مثلا کرمک بلاعرض است که دیگران من اظهارش پشت تریبون نسبت باینکه من حقوق کارمندان را در ده ۱ اسفند پرداختام چندان مستحسن نبوده است و برای کشف این قضیه تقاضا کردم که صورت ریز دست میلیون دلار در پایفتی را که چه مصرفی رسیده است مرحمت کنند ، این سؤال بنده دیگر چندان احتیاجی بتوضیح ندارد جناب آقای وزیر دارائی تشریف بیاورند این صورت را پشت تریبون قرائت فرمایند تا ما چه بنیم کار این پولها چه مصرفی رسیده و آتوقت

بعد از آن اگر توضیحی لازم باشد عرض خواهم کرد (احسن)
رئیس - آقای وزیر دارائی
وزیر دارائی - (دکتر امینی) - همانطور که جناب آقای تجدید در کفر فرمودند تاریخ این سؤال مار پنج ماه و نیم پیش شاهما قبل است و بنده خیلی از ایشان عذر می خواهم سکه تأخیر شده است و علت تأخیر را هم خود قاطعتر از بنده - میدانید که گرفتاری در بین بوده است (تجدید - بله کار نفت بود) و یک جلسه هم که بنده حاضر بودم جنابالی غایب بودید و یک جلسه هم که جنابالی حاضر بودید بنده غایب بودم (تجدید اینهم صحیح است) من شیال میکنم استنباطی که کردید آفریزی که این سؤال را کردید چون مسیوق یک مذاکره قبلی بود ، این بود که نظر جنابالی بر این قرار گرفته بود که بهتر بود این پولها صرف کارهای امرانی و تولیدی مملکت میشد که همه مردم از آن بهره مند میشدند ولی بنده فکر میکردم که جنابالی کشف فرموده باشد که بنده چون در ۱۵ اسفند حقوق را دادم این صورت را بهوانم برای اینکه کشف این مطلب بشود آقایان مسیوق هسته کبکی که دولت امریکا کرد در آن تاریخ یعنی دولت سرکار آمد ، وضع خزانه وضع مالی این دولت تهداتی که دولت سابق داشت بقدری سنگین بود که میان ماههای اولهم مانیتوانستیم حقوق را بپردازیم و منظور از این کمک هم چنانچه توجه فرموده باشید برای این بود که باین دلار کالا وارد بشود خلاصه ریالی به دست بیاید که منجمله کسر بوجه مملکت پرداخت شود منتهی در آن تاریخ مذاکره نمود امریکا بکشور - هائیکه کمک کرده در هیچ کشوری بعنوان تأمین کسر بوجه نبوده ، شاید در فواین

برسینه راه بود که گفته بودند از او را بلیت داشتی
 گویم که خودش گفته باشم پنج دلار و من
 سنت است در صورتی که در همین بانک ملی ما
 یکپنجم را و ... دلار تهیه دارند (لاری، سلسا)
ایشیگر بنده میگوید: منطوق میفرماید که هر چه
 اگر بنده خدمت آقایان ثابت نگردد است آن
 وقت بر سر این بدین نوشته اند که راست هم می
 گویند همین آقای کتانه یهودی نوی این
 این منسلک ... کارها که در همین آقای کتانه
 اینگی که نوشته است اینجا رئیس کل
 امری است بود در زمان اعلیحضرت رضاشاد
 نقیبه معلی را در مورد روزنامه نویسی در دست
 داریست و پایشان گفت و در او اجازه
 ورود انومیل را داده بش که سهامی مرکزی
 و رضا شاه کیبرای آن راه آن و این ساختمان
 ها و این مساحت ها را از مالیات درست نکرد
 ضعیف را از یک چیز کرد تجارت خارجی
 را انحصار کرد بدین ازان جنس را از دیگر
 و محصول کشور را بدینا بنیقت خوب و مرغوب
 فروخت و به امتیاج چراغ و در جهت کار گران آمد
 بعش داد از منافض هم راه آهن ساخت
 و ساختمان کرد حالا همه اش میفرماید بنیقت
 مالک را بگیرند که تومسی بیست و پنج
 بده (ارباب مهدی - کتانه یهودی نیست)
 (خرازی - یکشاهی مالیات نیدهه) عرض
 کردم من باب تذکره سوابقی دارد همسال
 است دارند میروند میفرموند - قسمت دوم
 که عرض کردم بستم موضوع اموال دولتی
 مشابه است و در خارج ایران میشود
 اینها از دوسه راه وارد میشود یکی بدینصفت
 بیرونی هائی - سه بهمانی که خرید میشود
 از وزارت اقتصاد ملی که خیلی میسوزند
 و فایز - انعطاف است ایگفر نماینده
 و گمرک است در گوشه ای از منگنه بعضی
 ها از این طرز سهیم نویسی آقایان سوه
 استفاده میکنند بلکه چیزی که ممنوع است
 یک مشابهی با اسم دیگری در میآورند
 میآورند نوی بازار (ارباب مهدی - انحصار
 تجارت موجب خرابی اقتصادی منسلک
 است) - جناب آقای ارباب یا کاملاً باید
 انحصار باشد یا کاملاً آزاد من عقیده خودم
 همان قانون انحصار است برای اینکه اگر
 انحصار بکنند منافعش مال این منسلک و
 این ملت است زمان رضاشاه دیدیم چیزی
 با نشان دار که در شاهان منصرف کرد و بس
 آن، از امتیاز آن، از پول آن، از آن که
 ساخت اما از باقیش برود - حالا بگذارد آن تو عمیل
 شرف از این بنده میدهند ۲۷ هزار تومان
 قیمت آن برای خود کتیانی که میباید ۱۷
 هزار و دویست تومان است بقیه شاد ده هزار
 تومان میفروشد چیزی آقایان آنهم باید داد
 این چیزها است که اسباب رخصت است
 (استغاث) کز هر صورت شاه منصرف نمند
 جز و از دستوراتی که بنده عرض میکنم
 مطابق شرح بیان در این مورد از آقایان
 بر و جماعتی دیگر شدار میفرماید و در

جشن صادر میکنند در آذربایجان ۵۰ هزار
 نفر با بنده و در بنده هست این بندهها
 هشتاد را موهنه است که مرکز بیافته و
 توی بازار فرزندش را بلبل - زرد راهم بفرماید
 بزور هم عرض کردم
رئیس: مدت نطق با زده دقیقه است
 در این مورد میفرماید که در این مناسبت
 صحبت میکنید اگر دفعه دوم میفرماید
 صحبت کنید دیگر وقت باقی نماند
بزرگ ابراهیمی: قرآن بنده در
 سؤال دارم، در آذربایجان وزیر دارم
 مردم ملوک مرامها را میمنتند که منحصراً از
 رستنگی زندگی میکنند، اگر کمیافته سوه
 میانفرد اموال اینها، جنبهائی وارد منسلک
 میشود مشابه متنوع است بعد از آنکه در
 آن بنده من بیست که به از بافته های
 آذربایجانی مواعیل ایشان توی دستشان مانده
 است و فلان ناچر رفته پارچه سوهالی
 متری آورده و تکرار راهم کرده و میفرموند
 این پروانه هائی که میدهند بصورت قابل
 انعطافی میدهند که همه جور از آن سوه
 مصنوعات داخلی است تأمین نشود این
 را وزارت اقتصاد ملی تذکره میدهم که در دادن
 سهمها باید وقت بشود پس ضمن اینکه این
 سؤال را کردم استماع دارم از جناب آقای
 وزیر دارائی که اول بیایند بحساب این دلار
 خورها و بیوند خورها بر سوه منصف
 برده اند توش ایشان افلا از منافع مالیات
 بدینند (یکی از نمایندگان - صادر کننده
 یا وارد کننده) وارد کننده صادر کننده
 که قربانش برود هر چه میفرماید میرود
 (بناهی - صادر کننده هم آقای منگنه) نتوانستم
 آقای بنای عرض کنم آقای حاج علیق
 کاشانی متری ۱۵۰ تومان فرش کاشان
 را قیمت میکنند و بعد هم میرود در هامبورگ
 قیمت خوب میفرموند و دلار اضافه آن را
 بلوگ میکنند و برش ملت میکنند و در
 هامبورگ می شنیند و کتب میکنند (صدقی
 این حرف صحیح نیست کاشانی مرد بسیار
 شریفی است) (همه نمایندگان)
رئیس: آقایان که از این صحبت کنند
بزرگ ابراهیمی: اگر بنده عرض
 کردم آدم بیست است سرم را ببرید عرض
 کردم قالی کاشان را تذکره صدور بنیقت
 تومان قیمت میکنند و آنجا هم ارزش را
 میدهند ولی آنجا که رفت متری دویست
 تومان، دویست و پنجاه تومان میفرموند
 اگر بنده میگویم سرم را بیزید و من صحبت
 ایشان با اجزائی نکردم هر چه میفرماید
 است اما متری کاشان که بعضی کاشانی
 منصرف است طبق زدن خودش نماینده
 که صحیح نیست بگفت باغالی کاشان را
 متری صد پنجاه تومان تذکره قیمت
 شده بود البته از توش و دو صد و سی
 که رفت میفرماید

تومان میفرموند اگر بنده گفت آدم بی
 است شاهره میفرماید بگویند
اربابی: اگر بنده نطق در این منسلک
 مثل حاج میرزا علیق کاشانی داشتیم خیلی
 خوب بود (منابعی - حاج میرزا علیق
 آدم خوبی است)
رئیس: آقایان صحبت ما را با
 خودتان بفرمایید چرا قطع کلام میکنند
 توی مجلس که نباید قطع کلام کرد آقای
 وزیر اقتصاد ملی بفرماید
وزیر اقتصاد ملی (دکتر شادمان):
 بنده نطقی که جناب آقای بزرگ ابراهیمی
 در روز شنبه ۱۸ آبان قبل از دستور
 فرموده بودند و آنچه آرزو را در اینجا بیان
 کردند و اصول آن مطلب را تکرار فرمودند
 باید توضیح فرمودند که مقصود حضرت
 نظر تامل با قیمت دلار قیمتش این نیست
 ۳۲۶۱۰ ریال این قیمت در دوازده است از
 بد توضیح فرمودند که مقصود از ۱۳۳۴
 بود و بعد از حدیث مناسبت اشتباه شده با متنوع
 این یکی عرضی است از اصل کلام اگر
 حضرت تالی مقصود شد بعد از انحصار تجارت
 دیگر تمام این موضوعها از بنده منصرف
 تجارت این منسلک بصورت مالکی درج باید
 که اصلاح را توی صورت خود در آنجا میسوزند
 نیست از آن در خارج و دلار تمام فرمول منسلک
 نوکر دولت هستند تمام معاملات بدین صورت
 انجام میگیرد و بیستم عرض کرد که در باره ایقانه
 و داری و مضاری است و سوله یک نگاهه برای بنده
 مجبورم حضورتان عرض کنم و آن این است
 که اساس تجارت اساس تمدن و اساس
 آزادی برای این است که همه بیست دنبال کار
 این بیان یک مطالب کلی که از صحبت بسیار
 هم اقتصادی است، که ما هم گرفتار هستیم
 یعنی بحث بیستم منسلک است و منسلک است که
 بدست زار و نواح مالک است و فروش آن
 از طرفی و بعد چنانکه اینجا صریح بیان
 فرمودند جناب آقای بزرگ ابراهیمی معتقدند
 با انحصار تجارت و در منسلک ما بموجب
 صریح قانون تمام انواع معاملات در دست
 دولت است و چون این مطلب به منسب کلامی
 است و دارای بحث زیاد که آیا تمام امور
 را باید در انحصار دولت قرار داد یا تمام آزاد
 گذاشته بشود یا آن چیزی که این دولت
 با آن مقدمات و اینجا خواست منسب جناب
 آقای بزرگ ابراهیمی توجه بفرمایند دولت
 مقدمات که بفرمایند که دولت متوجه تمام این
 مضاری - انحصار کلی تجارزات انکار را
 بدون هیچ شک طمع میزند و آزادی کلی
 تجارت میسوزاند منسلک است در دین باقیست
 ضرر دیند پس آن چیزی که امروز دولت
 باید با آن عمل بکنند این است که بموجب
 قانون اختیارات کلی داشته باشد و بقصدی
 مشروع مصلحتی بفرماید هر نوع خردی
 فروش آنچه منسب منسلک است بدین عمل
 میکند و حضرت تالی در اینجا اسم بعضی از
 اشخاص را برده و بنده نام وزیر اقتصاد ملی
 را نامید که عرض کنم در میان تمام طبقات
 خوب و بد منسب انصاف و انصاف چهار صادر
 سؤال و جواب است و منسب میفرموند که یک ربع
 ساعت برای سؤال از زورده منسب بود اگر

باین منسلک است و بنده فلان دارم که
 حضرت تالی مطالبی را که در اینجا بیان می
 فرمایند از سر منسب و ما است و همانطور
 که فرمودند تذکره ای است که بنده قول می
 دهم که کم مطالبی که در جلسه ۱۸ آبان
 فرمودید و هم مطالب امروز را بدقت مطابق
 کنم چون اولی را خواندم و آنچه گفتی
 است و مطابق منسلک کلی منسلک است
 آنرا با همکاران سایر کارکنان با آقای وزیر
 دارائی، سایر وزرا و سایر مؤسسات و اطباء
 بازرگانی و شریفان و تاجران مالک و زاول و
 تاجر یک عرضی پیش باید که مقصود حضرت
 عالی چنانچه باید و چنانچه شدنی است عمل
 بشود و در باب دلار که اینجا حساب فرمودند
 ۳۲۶۱۰ ریال این قیمت در دوازده است از
 نظر تامل با قیمت دلار قیمتش این نیست
 بد توضیح فرمودند که مقصود از ۱۳۳۴
 بود و بعد از حدیث مناسبت اشتباه شده با متنوع
 این یکی عرضی است از اصل کلام اگر
 حضرت تالی مقصود شد بعد از انحصار تجارت
 دیگر تمام این موضوعها از بنده منصرف
 تجارت این منسلک بصورت مالکی درج باید
 که اصلاح را توی صورت خود در آنجا میسوزند
 نیست از آن در خارج و دلار تمام فرمول منسلک
 نوکر دولت هستند تمام معاملات بدین صورت
 انجام میگیرد و بیستم عرض کرد که در باره ایقانه
 و داری و مضاری است و سوله یک نگاهه برای بنده
 مجبورم حضورتان عرض کنم و آن این است
 که اساس تجارت اساس تمدن و اساس
 آزادی برای این است که همه بیست دنبال کار
 این بیان یک مطالب کلی که از صحبت بسیار
 هم اقتصادی است، که ما هم گرفتار هستیم
 یعنی بحث بیستم منسلک است و منسلک است که
 بدست زار و نواح مالک است و فروش آن
 از طرفی و بعد چنانکه اینجا صریح بیان
 فرمودند جناب آقای بزرگ ابراهیمی معتقدند
 با انحصار تجارت و در منسلک ما بموجب
 صریح قانون تمام انواع معاملات در دست
 دولت است و چون این مطلب به منسب کلامی
 است و دارای بحث زیاد که آیا تمام امور
 را باید در انحصار دولت قرار داد یا تمام آزاد
 گذاشته بشود یا آن چیزی که این دولت
 با آن مقدمات و اینجا خواست منسب جناب
 آقای بزرگ ابراهیمی توجه بفرمایند دولت
 مقدمات که بفرمایند که دولت متوجه تمام این
 مضاری - انحصار کلی تجارزات انکار را
 بدون هیچ شک طمع میزند و آزادی کلی
 تجارت میسوزاند منسلک است در دین باقیست
 ضرر دیند پس آن چیزی که امروز دولت
 باید با آن عمل بکنند این است که بموجب
 قانون اختیارات کلی داشته باشد و بقصدی
 مشروع مصلحتی بفرماید هر نوع خردی
 فروش آنچه منسب منسلک است بدین عمل
 میکند و حضرت تالی در اینجا اسم بعضی از
 اشخاص را برده و بنده نام وزیر اقتصاد ملی
 را نامید که عرض کنم در میان تمام طبقات
 خوب و بد منسب انصاف و انصاف چهار صادر
 سؤال و جواب است و منسب میفرموند که یک ربع
 ساعت برای سؤال از زورده منسب بود اگر

تا بشود باطل شود صحبت - اطلاع پیدا بکنند
 مقصودی که ما هم انجام میبشود
 (استی از ماده ۸۸، شرح زیر
 فرات شد)
 ماده ۸۶ - الف، حداکثر مدت نطق
 در جلسه ملی بر اذن خواهد بود
 جزء از ماده ۸۸ - برای دفاع از توهمین
 یا تعریف نطق یا سؤال از وزیر و توضیح
 ثانوی در مقابل جواب وزیر و توضیح در باب
 پیشنهادت اصلاحی و توضیح پیشنهاد کفایت
 مذاکرات و مخالفت با آن و توضیح پیشنهاد
 فوریت یا عدم فوریت با زده دقیقه
بزرگ ابراهیمی: جناب آقای
 وزیر دارائی باید جواب مرحمت کنند
**۴ - معرفی سر لشکر
 مرتضی زاهدی بمعونات
 وزارت جنگ وسیله آقای
 وزیر جنگ**
رئیس: آقای وزیر جنگ
 وزیر جنگ - بنده با کسب اجازه از
 محضر نمایندگان محترم تبسار سر لشکر
 مرتضی زاهدی را بست سازمانت وزارت جنگ
 معرفی میکنم (نمایندگان - مبارک است)
عمید: - سیار از تعجب خوبی است
رئیس: آقای فرود هم ایست کرده
 انداز وزارت دارائی آقای فرود بنده خواهش
 میکنم این یا زده دقیقه را در نظر بگیرند
 ده دقیقه اول برای سؤال و پنج دقیقه
 برای توضیح ثانوی چون امروز خواهش
 وزیر دارائی کرده خوبست که برای
 و این تبلیغات را در خارج میدانم - بنده
 خدمتان عرض میکنم که آقای فاتح زردی
 که چند روز پیش رفته بودند در آلمان
 و انگلستان برای اینکه یک کارخانه دوهزار
 دو کی ریسه گی و بافتند کمی سفارش بدینند
 این کار راهم کرد و قرارداد منتهی کرده
 وقتی میباید اینجا توی روزنها میخوانند
 که در خدمت این کردن حکمتها استفاده
 زیاد میبند رفته است فسخ کرده است
 یک چیز فوق العاده حساسی است که حالا
 عرض کردم یک وقت هست رژیم غیر از رژیم
 سرمایه داری است اما وقتی رژیم رژیم
 سرمایه داری است باید سرمایه دار تأمین
 این مقدرات داشته باشد تا بتواند سرمایه اش
 را بکار بیندازد ام از داخلی و خارجی و
 بنده خیال میکنم که دو تا دستگا هست
 باقا عرض میکنم که مقادری از این
 قاجان پولیش گرفته میشود (بوربور - آقا
 جناب اعتماد مالیات دهنده و ارباب سکرد)
 بنده عرض کردم که مقادری از این مقدرات
 صرف نظر از عدالت و این حرفها باید مورد
 خرج صحیح باشد و الا که مودی بپینند
 این پولی که میدهند بیبورد خرج میشود و
 منفعت نمیبرند نهی یکی از اجزائی که مرد
 شریفی است با نهایت صراحت چند روز پیش

بگیریم و این را کشورهای شرقی استفاده
 کرده اند - منسلک ما برای استخراج منابع
 خودش و برای ایجاد فعالیت استخراج به
 سرمایه دارانی و خارجی دارد سرمایه داخلی
 هم کافی نیست و همان مبلغی هم که هست
 از ترس سرمایه داران را بیرون میفرموند
 یک نیت بدیه دیگر خدمت آخر عرض میکنم
 آقای کورس کارخانه ای ساخته در راه
 شهر دی در یکی، در سال قبل که جار و
 جنجال بود و هر روز میرفتند و کتک می
 زدند و اینکارها را میکردند تماماً من
 ایشان را دیدم یک کتک فلاکت من با یک اشتیانی
 آمد این کارخانه را تأسیس کردم
 حالا شبانم که یک پول بی و در سر و بیزبانی
 را آوردم تبدیل کردم با این بنا کارخانه
 که اشخاص عرض این که هر مودی که از این
 جارد میشود بگویند خدا عرش بعد که
 اینکار را کرده دو کرور بخش میدهند و
 هر روز انواع و اقسام تعقیبات رامیکنند
 نظریته این فکر را باید گذاشت کنار
 البته تاجر بدوام باید تنبیه کرد و آهانیه که
 کار میکنند تشویق کردند از آن اشخاص
 هستم که برای اینکه سرمایه داران منسلک
 اهم از داخلی و خارجی برای بقینه برخلاف
 کسانی که میگویند در دست استفاده کنند
 بنده اعتقاد دارم که صدی سی استفاده کنند
 برای اینکه اگر نباشد که رقابت در منسلک
 زیاد شد تولید زیاد شد فعالیت زیاد شد
 با مزایای آن باید یک کار کرد که موزیان
 خوب جلب شود و ماملت از بیرون شود
 که بتواند صادرات زیاد بگیرد بنده در آلمان
 که تحقیق میکردم یکی از تاجر ایرانی بود که
 بر اورد سه سال تقرب و بدستی و وضع بجا می رسیده
 بود که مالیاتش را نسبت به بیرون از وزارت
 دارائی آلمان نه تنها مالیاتی ازش نگرخت
 بلکه یک قسمت از آن را تقاضا کرد که
 اعتبار اضافی باو بدینند که کارش را بقیته
 بتواند فرض را بپردازد (صحیح است)
 اینجا تقریباً بدین کارها را بکنند بنظر بنده
 اگر آن سوه استفاده های گذشته و این
 جنجالی که میشود و ناشی از این معیانات است
 این را از بین ببریم و ایجاد یک اتحادی
 بین مردم بنده بنظر بنده خیلی از این
 مسائل و گرفتارها حل میشود مقصد بنده
 در مقابل یکباری افراد این منسلک که بقول
 مالیات را از بزرگوارانی آزا دل اگر تکمیلی
 مایه دیگر تقاضا میفرماید در دست نیکبند و
 و یولش راهم در بازار تذلیل میدهند و بنده
 دستمیری ندارم که مالیاتش را بگیرم بنا
 دار ایشان روشن است و بدیهه میشود که
 نماینده می کنیم آن گیسینیکه در وزارت

باید در این منسلک دست برداری باشد
 در دست است که یک عده تاجران هم کار
 کردند سوه استفاده هم کردند ولی مایه در
 مقابل این تاجر خارجی تاجر ایرانی را که
 تعداد آنها حقیقه تاجران است ثنوت کنیم
 چون آنها منافعه در این منسلک تأمین
 مدام واقعی نداریم منتها در صد دلار
 هستند و همین دلایل بازی هم نتیجه اش
 این میشود که جنس خوب ما وارد نکنیم و
 جنس بطور قاجان وارد میشود و کفایت
 کاری میشود ولی اصلاحات زمان می
 خواهد بنده میخواستن تماماً کنیم که این
 چنانی که گاهی بنده سوه سرمایه و سرمایه
 داران نتیجه این میشود که سرمایه
 فرار میکنند بنابر این این اقداماتی که میفرمایند
 ما باید از آن باید یک کار کرد که موزیان
 خوب جلب شود و ماملت از بیرون شود
 که بتواند صادرات زیاد بگیرد بنده در آلمان
 که تحقیق میکردم یکی از تاجر ایرانی بود که
 بر اورد سه سال تقرب و بدستی و وضع بجا می رسیده
 بود که مالیاتش را نسبت به بیرون از وزارت
 دارائی آلمان نه تنها مالیاتی ازش نگرخت
 بلکه یک قسمت از آن را تقاضا کرد که
 اعتبار اضافی باو بدینند که کارش را بقیته
 بتواند فرض را بپردازد (صحیح است)
 اینجا تقریباً بدین کارها را بکنند بنظر بنده
 اگر آن سوه استفاده های گذشته و این
 جنجالی که میشود و ناشی از این معیانات است
 این را از بین ببریم و ایجاد یک اتحادی
 بین مردم بنده بنظر بنده خیلی از این
 مسائل و گرفتارها حل میشود مقصد بنده
 در مقابل یکباری افراد این منسلک که بقول
 مالیات را از بزرگوارانی آزا دل اگر تکمیلی
 مایه دیگر تقاضا میفرماید در دست نیکبند و
 و یولش راهم در بازار تذلیل میدهند و بنده
 دستمیری ندارم که مالیاتش را بگیرم بنا
 دار ایشان روشن است و بدیهه میشود که
 نماینده می کنیم آن گیسینیکه در وزارت

مصلحتی که اروپا میرونه سابقاً دیدیم یا برای هزینه اوز بکشلتی بر میخورند و ملتی این بدعت هاست گمانی فراز کرده بودند حالا میخواستم توست که برای بسط این این صنعت پیش نباید درزانی اینک بکشمه مصلحت ما داروای بکارهایی میزداختند خارج از اصول تحصیل و تأمین سلامت برای خود و مملکت که راجع بان و سرپرستی آنها جناب آقای مشایخی تذکره دادند و بنده استدعا میکنم از جناب آقای وزیر توجه فرایندند عرض دیگری ندارم مغالطه را هم میگویم

رئیس - رای گرفته میشود به کلیات مذاکرات آقایانی که موافقتنم فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد پیشنهاداتی رسیده که قرائت میشود و آن پیشنهادهاست که وارد نیست فقط قرائت میشود پیشنهاد آقای دکتر جزایری (شرح جزیر خوانده شد) اینجناب پیشنهاد می نماید که ماده واحده و تبصره ۱ بشرح ذیل اصلاح گردد

ماده واحده وزارت فرهنگ و مصلحتی و تصویب رتبه اول دانشکدهها است از سال تحصیلی ۱۳۳۱-۳۲ به بعد با رعایت سایر مقررات مربوط به مصلحت برای ادامه و تکمیل تحصیلات بخارج اعزام دارد و مخارج رفت و برگشت آنها را با طیاره و همچنین مخارج تحصیل و توقف آنها تا پایان تحصیلات به میزانی که فلان بسیار دانشجویان دولتی داده می شود بپردازد - **دکتر جزایری** مسعودی

دکتر جزایری - بنده تصور میکنم که عموم آقایان محترم نمایندگان با اساس این پیشنهاد موافق باشند (بیزاست) پیشنهاد را بخوانید چشم نابینان برای اینکه تبصره بنظر بنده زائد بود و بایستی جزء خود ماده زائده بشود و جنبه تکلیف برای وزارت فرهنگ باشد نه اینکه مجاز باشد از این دو نظر اولاً کلمه مجاز است در ماده تبدیل به مکلف است کردم و بندهم خود مفاد تبصره ۱ که مربوط به اسالیهای ۱۳۳۱-۳۲ به بعد است او را هم بنده ضمیمه خود قانون و ماده واحده کردم. ملاحظه کردید (پیشنهاد را بخوانید) پیشنهاد این است اینجناب پیشنهاد می نماید که ماده واحده و تبصره ۱ بشرح ذیل اصلاح گردد یعنی جزو هندیکر بشود وزارت فرهنگ مکلف است بجای مجاز است فارغ التحصیلان رتبه اول دانشکده ها را فارغ التحصیل های دانشکده پزشکی را هم شامل شود چون قانون لیسانس است و دکتر است - اصل تحصیلی ۱۳۳۱-۳۲ به بعد (پنهانی)

دانشکده های کجاست) دانشکده های کشور را (رضائی) توی تبصره کشور دارد) تبصره را که حذف کردیم (سرمعد کلمه کشور را بگذارید فرقی که نیستند اما مملکت خارج که نیست) از سال تحصیلی ۱۳۳۱-۳۲ به بعد (پنهانی) کلمه و شهرستانها را هم اضافه فرمائید) هیچ مانعی ندارد اضافه می کنیم وزارت فرهنگ مکلف است فارغ التحصیلان رتبه اول دانشکده های کشور را از سال تحصیلی ۱۳۳۱-۳۲ به بعد با رعایت سایر مقررات مربوط باخرام مصلحت برای ادامه و تکمیل تحصیلات بخارج اعزام دارد و مخارج رفت و برگشت آنها را با طیاره و همچنین مخارج تحصیل و توقف آنان را تا پایان تحصیلات بیزانی که فلان بسیار دانشجویان دولتی داده میشود بپردازد اولاً بنده نظرم این بود کلمه مجاز است به مکلف باشد تبدیل بشود زیرا قانون اگر مکلف کند تکلیفی است که باید حتمأً عمل شود مجاز است هم نتواند عمل بکند و هم می تواند عمل نکند و بعد هم در مورد دانشجویان سال ۰۰۰ (دکتر بینا - آقای دکتر در لایحه سال ۳۲-۳۱ بنویسید) نوشته است ۳۲-۳۱ لفظی در کتربینا - فرمودید ۳۰۰) اشتباه لفظی بوده بنده آقای وزیر فرهنگ مذاکره کرده ام در متن ماده واحده سال تحصیلی ۳۲-۳۱ است در قسمت اسالیهای بعد هم آقای دکتر امینی وزیر دارائی صحبت کرده ام فرمودند که موافقم این اعتبار بعد بوجه وزارت فرهنگ برای اسالیهای بعد گذاشته شود حتی اسالیهای بعد هم در ماده واحده ذکر شود تبصره هم با این ترتیب حذف میشود و تبصره ۲ میشود تبصره ۱

رئیس - در اصلاحی که پیشنهاد نموده اند (مجاز است) را (مکلف است) کرده اند و جمله اسالیهای بعد اضافه شد و تبصره هم حذف میشود این مغیر فرمائید

مخبر کمیسیون فرهنگ (دولت آبدی) - جناب آقای دکتر جزایری خودشان عضو کمیسیون فرهنگ هستند ولی بدینخانه موقعی که این لایحه مطرح بود تشریف نداشتند بنا بر این بنده توضیح خواهم داد اینکه میفرمائید مجاز است مکلف باشد (سرمعد - زیاد تفاوت ندارد از لحاظ فرهنگ از لحاظ وزارت دارائی فرق دارد) بنده فرقی اشکال از حضرت عالی میکنم این مطلبی است که احتیاج بواسطه وزارت دارائی دارد و احتیاجی را هم در سال تجدید بشود - الان آقای وزیر دارائی اینجا حضور ندارند - در جلسه کمیسیون حضرت عالی بیوید آقای وزیر دارائی را دعوت کردیم آمدند بحث کردیم مشکلی که این کار داشت و بهین جهت رفت کمیسیون بوجه این بود که وقتی دانشجو رفت بخارج و استفاده کرد سال

بعد هم از این اعتبار بایستی استفاده کند تا خاتمه تحصیل برای سال دوم هم که دانشجو فرستاده میشود بایستی یک اعتبار جدیدی در بوجه تأمین کرد و سال سوم هم اعتبار دیگری تحصیل کرد و ما در حال حاضر چنین موافقتی را از وزارت دارائی بدست نیآورده ایم لذا برای سال اول بطور قطع برای این که مکلف نشوند دانشجویان که بهمه آقایان هم مراجعه کرده اند و هنوز دچار بلا تکلیفی نیستند از لحاظ تحصیل کاری کنیم که این قسمت بطور کلی تصویب شود و نسبت به سنوات بعد هم آقای دکتر جزایری اگر توجه فرمائید دولت را موظف کردیم که اعتبار آزاد در بوجه تأمین کند و منظور شما را تأمین کنه اما از لحاظ تبدیل کلمه مجاز به تکلیف البته اگر مجلس یک طرحی تهیه میکرد حق این بود که کلمه مکلف است را مکلف است دلی این لایحه دولت که برای کسب اجازه بجناس آمده است بطور خلاصه چون آقای تشریف نداشتند در کمیسیون تبصره یک را اضافه کردند بخود ماده و ما هم اگر آن مخطور را نداشتیم این کار را از روز اول میکردیم و باین موضوع توجه داشتیم ولی بعد از بحث زیاد در این موضوع تنها راحلی که بنظر آمد اضافه کردن آن تبصره بود و بالا برای مناصات باین امر لازمی که این مصلحتی اسالیهای خارج برون و بخصوص که مورد عنایت اعلیحضرت هایونی هم واقع شده اند و بلا تکلیف هم مانده اند و خود آقای دکتر جزایری هم میدانند مدتی است دانشکده ها شروع بکار کرده اند و هر روز که تأخیر در این کارشود لطمه بکار تحصیلی این آقایان که باید اعزام بشوند وارد میشود این است که بنده میخواهم استدعا کنم که آقایان باین کار توجه فرمائید چون آقای وزیر دارائی هم تشریف ندارند موجب است این عکار خواهد شد در صورتی که تمام مجلس بلزوم و فوریتش توجه دارند (دکتر جزایری - پس موافقت کردید) نداردند

رئیس - آقای پیراسته فرمائید

رئیس - آقای پیراسته فرمائید

چون یک عملی است که نام همه است و آنها یکی که فارغ التحصیل شده اند در بجه یک مشاغل دارند و شاید ارتباطشان با تحصیل قطع شده باشد معنی ندارد که چند دوره راهم ضمیمه کنیم عرض کنیم نسبت بگذشته میشود گفت که فارغ التحصیل های تمام دور در برابر فرستند برای اینکه آنها آمده اند بیرون روابط آنها با دانشکده تحصیل قطع شده است و غالباً یک شغلی دارند و نمیتوان یک کاروان را بر سرش زد دکتر جزایری پیشنهاد بندهم ناظر از احلاطه از لحاظ تحصیل کاری کنیم که این قسمت بطور کلی تصویب شود و نسبت به سنوات بعد هم آقای دکتر جزایری اگر توجه فرمائید دولت را موظف کردیم که اعتبار آزاد در بوجه تأمین کند و منظور شما را تأمین کنه اما از لحاظ تبدیل کلمه مجاز به تکلیف البته اگر مجلس یک طرحی تهیه میکرد حق این بود که کلمه مکلف است را مکلف است دلی این لایحه دولت که برای کسب اجازه بجناس آمده است بطور خلاصه چون آقای تشریف نداشتند در کمیسیون تبصره یک را اضافه کردند بخود ماده و ما هم اگر آن مخطور را نداشتیم این کار را از روز اول میکردیم و باین موضوع توجه داشتیم ولی بعد از بحث زیاد در این موضوع تنها راحلی که بنظر آمد اضافه کردن آن تبصره بود و بالا برای مناصات باین امر لازمی که این مصلحتی اسالیهای خارج برون و بخصوص که مورد عنایت اعلیحضرت هایونی هم واقع شده اند و بلا تکلیف هم مانده اند و خود آقای دکتر جزایری هم میدانند مدتی است دانشکده ها شروع بکار کرده اند و هر روز که تأخیر در این کارشود لطمه بکار تحصیلی این آقایان که باید اعزام بشوند وارد میشود این است که بنده میخواهم استدعا کنم که آقایان باین کار توجه فرمائید چون آقای وزیر دارائی هم تشریف ندارند موجب است این عکار خواهد شد در صورتی که تمام مجلس بلزوم و فوریتش توجه دارند (دکتر جزایری - پس موافقت کردید) نداردند

رئیس - آقای پیراسته فرمائید

رئیس - آقای پیراسته فرمائید

برای ادامه تحصیلات مخارج فرستند اعلیحضرت هایونی هم چون همیشه باین کار توجه دارند و مخصوصاً این متنا را با این اجازه وزارت فرهنگ ایجاد کرده اند برای شاگردان که استعداد هوش و ذکاوت بیشتری دارند و یک شغلی بنظر گرفته شود و اجازه فرمودند که لایحه آن تهیه شود و بعد باین تقدیم شود پس این لایحه برای دانشجویانی است که در سال تحصیلی ۳۱-۳۲ فارغ التحصیل شده اند (البته بعضی - چه مرتب بی سال های دیگر دارند) البته چون وزارت دارائی این کار را برای این نوع دانشجویان تهیه کرده است مسلماً این چاره خواهد فرستاد و ما الان در سال تحصیلی ۳۲-۳۱ هستیم و یک دوره دیگر یعنی سال تحصیلی ۳۲-۳۱ را هم داریم و اگر نماینده این قسمت را ضمیمه این لایحه بکنیم موجب می شود از اینکه فارغ التحصیل های سال ۳۲-۳۱ را که سه ماه پیش لیسانس شده اند و رتبه اول را حاضرند فرستیم (یعنی از نماینده گان اینها مقدمتاً در صورتی که الان ۴ ماه پیش بآخر سابقاً بنایند و در بوجه اشرا بجناس تقدیم کرده است تکلیف اضافه اعتبارات وزارت خانه ها هم معلوم نیست فقط اضافه اعتبار وزارت فرهنگ همین شده که آترام تنظیم کردیم بین شهرستانها و مدارس جدید و تازمانی که باز کرده ایم و الان اعتبار دیگری نیست که ما برای فارغ التحصیل های ۳۲-۳۱ در نظر بگیریم چون ۴ ماه از موقع فارغ التحصیل شدن آنها گذشته است و الان اعتباری هم برای آنها نیست و بنابراین ۴ ماهه واحده همانطور باقی بماند محصلین سال تحصیلی ۳۱-۳۲ اعتبارشان هم تأمین شده خواهد بود و تبصره برای ما باین نوعی میبایست چون نوشته شد است دولت مکلف است از این بابت این کار را بکنند پس این لایحه که در سال ۳۴ وزارت دارائی موظف است اعتبار برای مخارج فارغ التحصیل های ۳۲-۳۱ و ۳۳-۳۲ که در شرح ذیل فرماید دیگر لیسانس می شوند در نظر وزارت دارائی باید از این بابت هم تکلیف باشد بخارج اعزام کنند و در بجه این بابت هم فرستادند و در بجه این بابت هم فرستادند و در بجه این بابت هم فرستادند

رئیس - آقای پیراسته فرمائید

رئیس - آقای پیراسته فرمائید

وزیر فرهنگ - اگر آقای وزیر دارائی اعتبارش را تأمین کنند بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای پیراسته فرمائید

رئیس - آقای پیراسته فرمائید

انورانی (معاون وزارت دارائی) - بنده باین پیشنهاد نمیتوانم موافقت کنم

رئیس - آقای معاون وزارت دارائی موافقت ندارند چون باید از این بابت هم تکلیف باشد بخارج اعزام کنند و پیشنهاد خرج میشود عجله ماده واحده را عمل میکنیم

دکتر جزایری - اگر موافقت نیستند بنده پیشنهاد را برپس گرفتیم

رئیس - آقای معاون وزارت دارائی موافقت ندارند چون باید از این بابت هم تکلیف باشد بخارج اعزام کنند و پیشنهاد خرج میشود عجله ماده واحده را عمل میکنیم

دکتر جزایری - اگر موافقت نیستند بنده پیشنهاد را برپس گرفتیم

رئیس - آقای معاون وزارت دارائی موافقت ندارند چون باید از این بابت هم تکلیف باشد بخارج اعزام کنند و پیشنهاد خرج میشود عجله ماده واحده را عمل میکنیم

رایت جهات اخلاقی دانشجویان هر ما استفاده از این قانون بوده البته هر مصلحتی که اخلاقی خوب است خوب هم تحصیل میکند و شاگرد اول میشود پس وقتیکه بک تحصیل خوب باشد شاگرد اول میشود لزومی ندارد که ما این قید را اینجا بگذاریم این قید هب پیدا خواهد کرد و این قید را این تبصره پیدا میکند این خواهد بود که در آیه شهای نخواست سره استفاده بکنند و احتیاجات و مصلحتی را بنحیثی از اینک فساد را محروم کنند بجزوی مکنت این کار را بکنند بنابراین بنده متقدم که شاگرد خوب شاگرد اول میشود ما متقدم وقتیکه وزارت فرهنگ در اروپا و خارج از ایران مراب احوال معصلین هست حتی موهی یک انحرافی پیدا کردند سره رفتاری داشته وزارت فرهنگ ارز آنها را قطع کرده است و تا چندی بعد هم که آقای وزیر فرهنگ در کمیسیون بوجه گفتند که کر آنها را هم انو خواهند کرد که آنها بر گردند و باران و بایستی عرض کنم برای کسانیکه بکسروری بخواهند سره استفاده کنند این تبصره باقی خواهد بود که نبیض بشود و دیگری را بجای آن کسیکه استحقاق دارد اعزام کنند

رئیس - این پیشنهاد رای ندارد فقط در موقع تجزیه تبصره جدا گانه رای گرفته میشود پیشنهاد دیگری قرائت میشود (شرح ذیل قرائت شد)

رئیس - این پیشنهاد رای ندارد فقط در موقع تجزیه تبصره جدا گانه رای گرفته میشود پیشنهاد دیگری قرائت میشود (شرح ذیل قرائت شد)

ادامه تحقیقات دوسال گانی است میرمائید
 سوال مسال باشد یا اینکه از دانشکده
 حقوق میزود دوسال برای او کافی است
 خلاصه بقیه بنده برای توقف و ادامه
 تعیین در اروپا امدت این است که مدت
 تعیین بشود تا موجب سوء استفاده بعضی
 برای توقف غیرالیه نشود بنده پیشنهاد
 کردم مطابق اطلاعیه که داوم کوره های
 تحصیلی دوسال است می فرمائید سه سال
 باشد سه سال ولی اگر مدت در آن نباشد
 بنظر بنده صحیح نیست مدت و زمان
 معهوده .

رئیس - آقای مهربانم
مخبر (دو تا آبادی) پیشنهاد جناب
 آقای صفائی نماینده معتمد پیشنهاد خوبی
 است بایستی در مزارع معهودیت قایل شوی با
 توجه اینکه شب مختلف علوم دوره های
 مختلفی دارد نیشود بعد سال سه سال تمام
 کرد بنابراین با توجه بقانون اعزام تحصیل
 اروپا در آن قانون دارد اگر کرد بشود اگر
 وضع تحصیلی اش رضایت بخش نباشد اگر
 کورها و شب تحصیل را نتواند با دوره های
 موافق با خودش تمام بکند طبیعتاً ارز
 تحصیلی او قطع خواهد شد (صفائی -
 بعنوان کسالت تمدید میشود)
 بنابراین منظور ایشان اصولاً اساساً نامین
 شده است تمذک اگر پیشنهاد شان را
 باینصورت تنظیم بکنند که متناسب با کور
 های تحصیلی باشد با آقای وزیر فرهنگ
 هم صحبت کردیم ایشان هم همین نظر را داشتند
 قید بشود صحیحتر است

رئیس - آقایان توجه دارند که
 دولت دستکای سرپرستی آنها دارد اگر
 دوره یک دانشکده ای مثل دانشکده پزشکی
 سه سال باشد نیشود سال دوم بیرون نیاید
 همانطور که گفته مقنن با سال تحصیلی
 درشت تحصیلی باشد بهتر است البته تعیین
 وقتش آنها نالی بشود بی جهت هم بماند
 ولی دوسال را که نیشود برای همه در نظر
 گرفت .

صفائی - بنده توضیح دادم برای

تحصیل در دوره لیسانس مدت دارد . کور
 تکلیلی برای دکتر شدن اغلب جاها مدت
 ندارد یکسال دو سال بیشتر نیست چون
 این معضل دارای لیسانس است در دانشکده
 طب وقتی که دکتر شد بخارج می رود و
 معمولاً مدت دوسال است برای تحصیل
 تحصیلات و هیجوت در اروپا دانشکده
 معذور نیست لیسانس ها محدود هستند
 بنده پیشنهاد دارم پس نیگیرم مدت سه سال
 بکنید موافقم
رئیس - آقای وزیر فرهنگ با سه
 سال موافقت (وزیر فرهنگ اجازه می فرمائید)
 فرمائید .

وزیر فرهنگ اجازه فرمائید بنده
 توضیحی عرض کنم که شاید آقایان قانع
 بشوند در اینجا دو مطلب هست که با توجه
 فرمائید یکی این است که وقتی دیپلمه های
 کامل متوسطه را میفرستیم بخارج برای
 تحصیل و یک وقتی هم لیسانس های از دانشکده
 های تهران و دانشکده های شهرستانها را
 برای تکمیل تحقیقات اعزام میداریم این
 دو موضوع با هم فرق دارد آن کس که لیسانس
 کامل متوسطه است وقتی می رود خارج
 باید وارد کلاس اول بشود و دوران تحصیلی
 دانشکده را طی کند و بعد از آن استیفاء شدن
 اگر خواست در آنجا ممکن است بماند
 و کور د کتری برام بگذرانند و ممکن است
 ۶۰ سال طول بکشد و اما این اشخاص
 را که ما میخوانیم میفرستیم بخارج طبق
 این لایحه اشخاصی هستند که لیسانس شده اند
 اگر در رشته طب هستند و برای تکمیل
 تحصیلات میفرستیم بنابراین احتیاجی ندارد
 دومرتبه بیرون در دانشکده ای ثبت نام کند
 و لیسانس بشود دکتر بشود بهینجهه باید
 مدت تحصیل او را در اروپا محدود کرد زیرا
 برای دوره تکمیل می رود اگر این اشخاص
 لیسانس نبوده اند البته دوره های مختلف
 هست و باید مدتی در آنجا بمانند ولی چون
 همه لیسانس هستند کمتر هستند باید دو یک
 مدت معینی آنها بمانند بهینجهه بنده با
 پیشنهاد جناب آقای صفائی موافقت هستم
 (صفائی - احسن)

مشائقی - معصی که برای طب به
 اروپا می رود باید چند سال باشد
رئیس - با سه سال ایشان موافق
 هستند و در پیشنهاد هم سال نوشته اند
پیراسته - بنده مخالفم
رئیس - آقای پیراسته می فرمائید آقای
 عبدالصاحب صفائی شایسته ترین بیون صحت
 می کنید آنها هم که نوشته اند معصی می کنید
پیراسته - آقای وزیر فرهنگ خواهش
 میکنم توجه فرمائید این یک معصی است
 که مجلس شورای ملی دولت بدهد از مدت
 ها در مقام این بر آید استنگه یک کاری
 انجام بشود بنظر من بایستی خالی از هر گونه
 حشو نباشد باشد تا یک کار مفیدی درست
 بشود نه ناقص باشد و نه وسیله ای بشود که یک
 دسته ای بیرون در اروپا و مدتها بعنوان
 تحصیل بمانند بنده اول خیال کردم که
 لایحه برای یکسال است چون در یک رشته
 تکلیلی کسی را که میفرستیم با روابط این قانون
 آن کسی است که دوره عالی را دیده است
 دانشکده طب را دیده است شاگرد اول
 این مدرسه هست باید بیرون در اروپا یک
 سال بماند و بعد طبیب خوبی بشود اگر
 نامحدود باشد پس تکلیف سایرین چیست
 شاگرد سال شاگرد اول دانشکده دارند
 که لیسانس هستند بکنند که هم طبیب هستند
 که دکتر هستند و همینطور قبل از رفتن
 با روابط طبیب میکنند با همینطور در مدرسه
 فنی و مدرسه حقوق و جاهای دیگر بنده
 موافق هستم که آقای صفائی هم این پیش
 نهاد را باین صورت قبول بکنند که آئین
 نامه ای در کمیسیون فرهنگ مجلسین تهیه
 بشود چون آقایان اطلاع کافی دارند و
 در کمیسیونهای فرهنگ هم هستند یک
 موضوع اساسی و مفیدی را بصورت صحیح
 تصویب کنند و این یک مطلبی است که جنبه فنی
 دارد یعنی بکنند صفائی که از دانشکده حقوق بیرون
 با معصی که از مدتی طبع می رود دوره
 تکمیل اش فرق دارد این کاری است که
 دوستان فنی و نباید مصلحت کالی بشود .

بنویسد مدت را آئین نامه ای که کمیسیون
 های فرهنگ مجلسین تعیین میکنند یا نظر
 وزارت فرهنگ تعیین کنند که آقای وزیر
 فرهنگ هم موافق باشند اطراف و جوانب
 کار را در نظر بگیریم نه یک کار غیر مفیدی
 انجام بشود و یک مدت غیر محدودی برای
 آنها در نظر بگیریم و من خیال میکنم که
 آقای صفائی پیشنهادشان را اصلاح فرمائید
 نوشته بشود مدتی که در آئین نامه معصوبه
 کمیسیونهای فرهنگ مجلسین تعیین خواهد
 شد .

رئیس - بالاخره بطور اصلاح بشود
وزیر فرهنگ - بنده موافقت میکنم
 که مدت طبق آئین نامه معصوبه شورای عالی
 فرهنگ باشد
رئیس - مدت تحصیل طبق آئین نامه
 معصوبه شورای عالی فرهنگ باشد (پیراسته
 کمیسیون فرهنگ مجلسین) (صفائی -
 بنده قبول میکنم) پیشنهاد اصلاحی که
 شده منجراً قرائت میشود
 (بشود ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم بعد از کتبه بخارج
 در ماه واحد جمله زیر اعلام شود برای
 مدتی که در آئین نامه های وزارت فرهنگ تعیین
 خواهد شد (یعنی از تائیدت کان - شورای
 عالی فرهنگ) برای مدتی که در آئین نامه
 معصوبه شورای عالی فرهنگ تعیین خواهد
 شد

صفائی - بنده قبول دارم
رئیس - آقای معتمد موافقت
مخبر - موافقم

رئیس - آقایان که باین پیشنهاد
 اصلاحی که شده موافقت قیام فرمائید
 (اصحتر برخاستند) تصویب شد

(۹) **تعیین موقع و دستور**
جلسه بعد - ختم جلسه
رئیس - بقیه پیشنهادات مبنای برای
 جلسه بعد - جلسه آینده روز یکشنبه

خواهد بود ساعت ۹ صبح
 (مجلس در دقیقه بعد از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی
رضا حکمت